



و پاکترین توانست **بیت** بواجیزین دشمن جان سنان
 به بند اهل پای مرد جوان در آن دم که دشمن بی پی رسید
 جان یانی تاشد کشیده **عکابت** ایلهی دید مضطرب
 شین در بر و هر کتازی در زیر و نضی مصری سر سر کسب است
 سعد کی جلوه می بین این ایله می معلم برین جیوان لایسع کت
 خطی ز شست که باب ز ر **عکابت** **عکابت**
 یاد می توان گفت مانند این جیوان مکر و راه
 و ستان و قش بر نش مکر در همه اسباب ملک مستی او
 که هیچ چیز نه بینی حلال جبر فوش شری اگر متفطن شود خیال
 که با یکاه بدتش ضعیف و اهد شد در آستانه سین پخته زر بنزد
 جان میر که بیودی شریف خواهد **حکایت** دزدی کلبی را
 گفت شرم نداری که دست از بیری جوی سیم پیش
 هر نیم در از میکنی گفت

دست در ازین یک چه سیم بیک بر بند بیک و سیم
حکایت هشت زنی را شکایت کنند که از امر خان و بیعت
 بغان آمد بود و از دست تنگی جان آمد و دشکایت پیش
 پیش برد و اجازت خواست که غم سنودارم مکر نبوت باز دلم
 دامن گای بیکم **بیت** فصل و هفتاد بیست تا ناید
 خود بر آتش نهند مشک بسانید بدر گفتی بر خیال باطل
 از سر بدر کن و پای قناعت در دامن سلامت کش بزرگان
 گفته اند دولت نه بکشند دست چاره که نباشد دست
 می توان گرفت دامن دولت نیز و **عکابت**
 که هر که مویت همدان با نند و بکار نیاید بخت بد باشد
 سیم گفتی پذیر و ناید ستر بسیار است اول نهیت کار و دیدن
 بجایب و شنیدن غرایب و تفریح بلدان و فوارت خلایق
 و فصل ها و ادب مزید مال و کسب معرفت یاران و بگریه

Handwritten marginal notes on the left page, including a large vertical note on the far left edge and smaller notes in the inner margin.

Handwritten marginal notes on the right page, including a large vertical note on the far right edge and smaller notes in the inner margin.

دست در ازین